

نقش زن در تعالی حقوق بشر اسلامی – ایرانی

هادی آفاپور^۱

چکیده

توسعه یک کشور با مشارکت زنان در حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن ارتباط مستقیم دارد. نگاه مسلط در کشورهای اسلامی به خصوص ایران، این است که زنان با ظهور اسلام نقش و موقعیتی بی نظیر یافته و دارای هویتی انسانی گردیده‌اند. به طوری که تساوی ارزشی بین زن و مرد و نیز یکسان بودن راه ترقی برای آن دو، یک اصل اساسی است و جزو اصول مسلم دینی به حساب می‌آید. در اصول متعدد قانون اساسی نیز به نقش زن در مشارکت‌های سیاسی و مدنی و برابری زن و مرد تأکید گردیده و در اسناد مهم بین‌المللی نیز ویژگی‌های توسعه پایدار حاکی از ضرورت همه‌جانبه بودن نقش اجتماعی، تربیتی و فرهنگی زنان در اجتماع و خانواده به صورت موزون که یکی فدای دیگری نگردد؛ هماهنگ با ارزش‌ها و در تعامل با تحولات جهان امروزی، مشهود می‌باشد. بنابراین به دلیل اهمیت بحث، ضروری است تا نقش زنان در تعالی حقوق بشر اسلامی به صورت تحلیلی بررسی گردد.

واژگان کلیدی: زن، حقوق بشر، توسعه، اسلام، مشارکت سیاسی.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی حقوق خصوصی دانشگاه آزاد تبریز hadiagapoor@gmail.com

حقوق بشر اسلامی، مجموعه‌ای از حقوق و امتیازهایی است که از سوی خداوند متعال در قالب احکامی وضعی یا تکلیفی و از سوی حکومت اسلامی که جایگاه آن به پشتوانه احکام الهی درون نظام حقوقی اسلام مطرح می‌شود، به رسمیت شناخته می‌شود. این حقوق برای همه انسان‌ها فارغ از تمایزات اعتباری و تکوینی وضع شده و الگویی منسجم، نظام‌وار و تجویزی، برای تعامل با جنس بشر عرضه می‌کند. همچنین این حقوق با حقوقی که بر اساس تمایزات عقیدتی و مبتنی بر ویژگی شهروند اسلامی لحاظ می‌شود، کاملاً متفاوت است. رعایت حقوق بشر اسلامی و قواعد ناشی از آن، مانند بسیاری از احکام اسلامی که پیروی آن‌ها بر مسلمانان واجب است، لازم بوده و بر اساس همان مبنا تضمین این حقوق نیز باید از سوی مسلمانان صورت گیرد. بدین خاطر، سازوکارهای مختلف حقوقی از قبیل معاهده و قرارداد برای لازم‌الاجرا کردن این حقوق بر غیرمسلمانان نیز قابل پیش‌بینی است. همچنین نقش مفاهیم دینی، به ویژه دین مبین اسلام در تأیید حقوق بشر و تشویق مردم به رعایت عدالت و حقوق هم‌نوع، منحصر به فرد است. پیام اسلام از همان آغاز ظهور، خطاب به همه انسان‌ها رعایت حقوق دیگران می‌باشد؛ بنابراین مبنای حقوق بشر در اسلام، آیات الهی و بیانات رسول مکرم اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) می‌باشد. از این رو می‌توان گفت، تاریخ تدوین حقوق بشر در اسلام به همان نخستین سال‌های نزول قرآن بر می‌گردد که در این صورت قرآن یکی از کهن‌ترین اسناد مدون در حقوق بشر اسلامی است؛ پس از آن سنت یا به تعبیر دیگر قول، فعل یا تقریر معصوم (ع) به عنوان دومین منبع استنباط احکام اسلامی قرار دارد. (منصوری، ۱۳۷۴: ۱۹۹) بعد از سنت، اجماع کاشف از قول معصوم (ع) قرار دارد، در نهایت امر عقل و قیاس نیز



در کنار سایر منابع، جزء منابع اسلامی قرار دارند. همچنین عواملی مختلفی در حوزه حقوق بشر اسلامی قرار می‌گیرد که به جهت ارتباط موضوع، این مقاله صرفاً به نقش زنان در حقوق بشر می‌پردازد. (اسلامی، ۱۳۹۲: ۲۹۰)

از این منظر حق بر ازدواج، طلاق، انتخاب مسکن، حق بر داشتن سلامتی، حضور در مجامع عمومی، محافل سیاسی و اقتصادی از جمله مسائلی است که در صورت وقوع می‌تواند منجر به رشد و تعالی حقوق بشر اسلامی و ایرانی زنان شود. بدین ترتیب، نگارنده در این مقاله بر آن است تا به این سؤال پاسخ دهد که نقش زن در رشد و تعالی حقوق بشر اسلامی و ایرانی چیست؟ همچنین ارتباط زن و حقوق بشر چگونه است؟ فرضیه‌های تحقیق نیز این است که زنان نقش سازنده‌ای در پیشبرد اهداف حقوق بشر اسلامی و ایرانی دارند. فرضیه دوم نیز این است که پیشرفت یک کشور ارتباط مستقیم با رعایت حقوق زنان دارد.

۱- مفهوم‌شناسی

۱-۱- حق در اصطلاح

تعاریف گوناگونی در فقه برای حق ارائه شده است:

۱- قدرت شخصی بر شخصی دیگر: مانند حق قصاص، حق حضانت، حق بستانکار بر طلبکار. این قدرت، قدرت معنوی است؛ یعنی وقتی بدهکار نتواند حق طلبکار را پرداخت کند، او می‌تواند با اقامه دعوا حق خویش را بستاند.

۲- قدرت شخص مالک بر مال: این حق از نوع قدرت مادی است.

حق در حقوق نیز تعاریف متعددی دارد. از دیدگاه کاتوزیان، حق از نظر اصطلاحی مجموعه مقرراتی است که در زمان معین، بر جامعه‌ای حکومت می‌کند؛ تا آنجا که تاریخ به یاد دارد، انسان همواره در بند این گونه الزام‌ها بوده است. (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۳۲)



۲-۱- معانی حقوقی حق در قرآن

در مواردی که در قرآن واژه «حق» در معنای حقوقی (حق داشتن) به کار رفته است، اغلب به یکی از دو صورت زیر تعریف شده است:

۱- گاهی به عنوان صفتی برای فعل انسان مکلف آمده است: «این (خواری و بی‌نوایی و گرفتار خشم خدا بودنشان) از آن روست که به آیات الهی کفر می‌ورزیدند و پیامبران را به ناحق می‌کشتند.» (بقره: ۶۱) در این آیه شریفه، خدای متعال عمل کشتن پیامبران الهی را تقبیح نموده، این فعل را «ناحق» معرفی فرموده است. این عمل از آن جهت که از لحاظ حقوقی، برای یهودیان ثابت نبوده است و آنان حق انجام آن را نداشتند، مورد مذمت قرار گرفته است.

۲- در مواردی از آیات قرآن، واژه «حق» به همان معنای حقوقی به کار رفته است. قرض دادن، اشاره به همین معنا دارد: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه به همدیگر وامی - تا زمانی معین - دادید آن را بنویسید و باید نویسنده‌ای در میان شما از روی عدالت بنویسد. کسی که قدرت بر نویسندگی دارد، نباید از نوشتن - همان طور که خدا به او تعلیم داده - خودداری کند. پس باید بنویسد و آن‌کس که حق بر عهده اوست، باید املا کند و از خدای متعال، پروردگار خویش بترسد و چیزی از آن فروگذار نکند و اگر کسی که حق بر عهده اوست، کم‌خرد یا ناتوان است یا نمی‌تواند خودش املا کند، باید سرپرست او با رعایت عدالت املا کند.» (بقره: ۲۸۲)

روشن است با توجه به مضمون آیه که درباره قرض دادن است، حق در اینجا معنای حقوقی خواهد داشت؛ اما نکته‌ای که نباید از آن غافل شد؛ آنکه سخن از حق الزاماً با به کار بردن واژه حق در آیات قرآن نیست، بلکه گاهی حقیقتی مطرح می‌شود که دربردارنده حقی است که یا حق بر افراد است یا حق افراد بر دیگر افراد و این آن حقیقتی است که هر محقق و پژوهشگری را سرمست از پژوهش در قرآن می‌گرداند.



۲- حق زن در حقوق بشر اسلامی

با توجه به اینکه مرد و زن در انسانیت شریک‌اند و در ویژگی‌های جنسی از قبیل توانمندی جسمی، روانی و غیره متفاوت هستند، برخی از اندیشمندان به مقتضای محدود بودن دایره فکر و اندیشه بشری، فقط به مشترکات توجه کرده و در تمام حقوق و وظایف، معتقد به شرکت و تساوی شده‌اند. برخی دیگر نیز فقط به ابعاد ویژه هر یک از این دو جنس توجه کرده و در تعیین حقوق و وظایف زنان، راه تفریط پیموده‌اند. غافل از اینکه زن و مرد به عنوان دو رکن سازنده و برپادارنده جامعه باید مانند نقش چشم، گوش، دست و پا و زبان به عنوان اعضای فعال و مؤثر در کل بدن عمل نمایند؛ یعنی مساوات چشم و گوش در مفید بودن برای بدن، اقتضا نمی‌کند که چشم مانند گوش، باز و بی‌پرده بوده در معرض برخورد با انواع آسیب‌ها مانند باد، آب، گاز و غیره قرار گیرد یا زبان باید مانند دست، گشاده و بی‌پوشش باشد و این استدلال که هر دو، عضو یک بدن می‌باشند، پس چرا یکی باز است و دیگری بسته، یکی گشاده و دیگری پوشیده؟ ناقص و نارساست چراکه هر یک، ویژگی‌ها و کارکردهای مخصوص به خود را دارند.

همچنین در مقاطعی از تاریخ، زنان پست‌های درجه اول و مناصب ویژه‌ای را در صحنه حکومت، سیاست و اداره کشور دارا شدند و در برخی ادوار، پسران موظف به دادن نفقه به پدر و مادر نبودند، ولی دختران مجبور به انجام این تعهد بودند؛ حتی اگر موافق میل باطنی آن‌ها نبود. همچنین مصریان به شدت، حرمت زنان را پاس می‌داشتند، تا حدی که چند شهبانو بر آنان فرمان می‌راندند. یکی از شرایطی که در قباله ازدواج مردم مصر ثبت می‌شد؛ اطاعت کامل مرد از زن بود. به طور کلی، زن در مصر باستان فرمانروای خانواده بود و مردان مجبور بودند، دستمزد خود را



بدون دخل و تصرف به خدمت بانوی خانه بیاورند و زنان حق داشتند آن را بدون اجازه شوهر خرج کنند و در برخی کشورها مدیریت نظامی در اختیار زنان بود و قراردادهای جنگ و صلح و آتش‌بس به امضای آنان می‌رسید. (فاضل، ۱۳۸۷: ۱)

اما اسلام در مورد حقوق خانوادگی زن و مرد فلسفه خاصی دارد که با آنچه در چهارده قرن پیش و آنچه در جهان امروز می‌گذرد، مغایرت دارد. اسلام برای زن و مرد در همه موارد، یک نوع از حقوق، وظیفه و مجازات را قائل نشده است. اسلام بعضی از حقوق و تکالیف را برای مرد مناسب‌تر دانسته و پاره‌ای از آن‌ها را برای زن. همچنین در مواردی برای زن و مرد وضعی مشابه و در بعضی موارد وضع نامشابهی در نظر گرفته است. حقوق زن و مرد در اسلام، همواره مورد بحث جوامع مختلف و نهادهای بین‌المللی بوده و افکار عمومی جهانیان همیشه متوجه این بوده که آیا در اسلام حقوق زن و مرد عادلانه است یا اینکه حقوق زن کمتر از مرد بوده و اسلام چندان اهمیتی به حقوق زن نمی‌دهد و در اجرای قوانین اسلامی حقوق زن پایمال می‌گردد؛ البته صرف‌نظر از اینکه تفاوت‌های زن و مرد، موجب تفاوت‌هایی در حقوق و مسئولیت‌های خانوادگی زن و مرد می‌شود. (مطهری، ۱۳۵۷: ۱۷۸-۱۱۳)

از طرف دیگر همه مردم، اسلام را دین برابری می‌دانند و ممکن نیست دینی که به مساوات معروف باشد، برای برپایی عدالت، بین زن و مرد تبعیض قائل شود و برای آنان حقوقی غیرعادلانه و احکامی تبعیض‌آمیز معرفی کند و از این جهت مورد انتقاد و حمله جوامع مختلف غیر اسلامی خصوصاً غربی‌ها قرار گیرد و وسیله‌ای برای کسانی که از عدالت چیزی جز لفظ آن نشنیده‌اند، می‌باشد. در مقابل اسلام این دین کامل و مکتب عدالت سر طغیان و اعتراض بلند کرده و خود را منادی برابری و عدالت و اسلام را دینی تبعیض‌آمیز معرفی کنند. البته تساوی و برابری که غرب در



حقوق زن و مرد مطرح می‌کند، همان تشابه و یک‌جور بودن است. بنابراین، در غرب تساوی و برابری حقوق و وظایف آن‌ها منظور بوده است، به گونه‌ای که زن بتواند جانشین مرد و مرد نیز جانشین زن گردد. لذا اعتراض غربی‌ها بدین خاطر است که معتقدند، دین اسلام مساوات بین آن دو را رعایت نکرده است، ولی اسلام تشابه بین زن و مرد را قبول ندارد و اگر بحث مساوات و برابری بین زن و مرد را مطرح می‌کند، منظور حقوق عادلانه آن‌ها است؛ زیرا تشابه احکام، حقوق و وظایف آن دو، کمال بی‌عدالتی بوده و با وضعیت خلقت آن‌ها سازگار نمی‌باشد؛ زیرا وضعیت جسمی، روحی و روانی متفاوتی دارند و این مسئله، احکام متفاوتی که متناسب با هریک از آن دو باشد را طلب می‌کند. در نظام حقوقی اسلام، زنان از تمامی حقوق اقتصادی، قضایی، اجتماعی، سیاسی، معنوی و غیر آن برخوردارند؛ چراکه از حیث آفرینش از یک گوهر مشترک یا به تعبیر ویژه خود قرآن، از یک نفس واحد آفریده شده‌اند.

(حکیم‌پور، ۱۳۸۱: ۱۷۷)

بدین ترتیب اگر در طول تاریخ، سنت‌ها و آداب و رسوم اجتماعی، حقوق ویژه‌ای را مخصوص مردان می‌دانسته، اسلام با انقلاب اجتماعی و فرهنگی خود طوفانی به پا کرده، نظام جاهلی زمان خود را برانداخت و برای اولین بار تمام حقوق واقعی زن در چهارده قرن، قبل از آنکه اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل این حقوق را برای زن اعلام کند، به وی بشارت داد و مساوات و برابری را بین زن و مرد برقرار نمود. البته اسلام دو گونه حق را برای زن مورد توجه قرار داد که اولی حقوق خصوصی بود که در بردارنده نفع شخص است، اعم از حقوق اختصاصی زن که منافع آن تنها مربوط به زن می‌باشد یا حقوق مشترک بین زن و مرد که هر دو از آن حقوق بهره‌مند خواهند بود. این حقوق، خود به دو بخش اقتصادی و معنوی تقسیم



می‌شود که در حقوق اقتصادی بیشتر بحث مهریه، نفقه و ارث زن مطرح می‌شود و در حقوق معنوی زن نیز خوش اخلاقی، خوش رفتاری، حق مضاجعه و وفاداری بحث شده است. (ناظمی، ۱۳۸۲: ۳۵) دومین حقوقی که اسلام مورد توجه قرار داده، حقوق عمومی است که تأمین‌کننده منافع جامعه و مردم است که در آن به حقوق اجتماعی و سیاسی اشاره شده است که مباحث حقوق اجتماعی شامل حق تعلیم و تربیت، حق اشتغال، حق انتخاب، بیعت کردن و انتخاب شدن، شرکت در احزاب سیاسی و فرهنگی می‌باشد.

۳- جایگاه زنان در کشورهای عربی

وضعیت زنان در چند دهه اخیر در اکثر نقاط جهان پیشرفت‌های چشمگیری داشته است؛ لیکن با این حال شکاف جنسیتی هنوز در بسیاری از کشورها بالأخص جوامع عربی وجود دارد. بیشتر شاخص‌های بین‌المللی از قبیل شاخص توسعه جنسیتی، شاخص نابرابری جنسیتی و شاخص شکاف جنسیتی که نابرابری جنسیتی را در مؤلفه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و سلامت می‌سنجد، نشانگر وجود نابرابری جنسیتی مشارکت زنان در امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. به طوری که زنان در کشور عربستان که از تأثیرگذارترین کشورهای مهم منطقه می‌باشد با تبعیض گسترده‌ای روبه‌رو هستند؛ تفکیک جنسیتی شدید در مکان‌های عمومی (مدارس، دانشگاه‌ها و محل کار) تا نابرابری حقوقی زنان با مردان در مسائل مربوط به ازدواج، طلاق و حضانت کودک. زنان در این کشور با محدودیت عبور و مرور نیز مواجه می‌باشند، اجازه رانندگی ندارند و از حق انتقال ملیت خود به فرزندان‌شان نیز محروم هستند. پلیس شرع، معروف به اداره امر به معروف و نهی از منکر که تحت حمایت



حکومت است، از زنانی که به قواعد سنتی پوشش تن نمی‌دهند یا با مردان نامحرم در ملاعام ظاهر می‌شوند، سوءاستفاده می‌نماید. در عرصه سیاسی، پارلمان مشورتی عربستان که ۱۲۰ عضو دارد و به عنوان یک هیئت مشاور برای حکومت محسوب می‌شود، هیچ زنی را به عنوان عضو شورا نمی‌پذیرد. همچنین، سازمان مرتبط با زنان در این کشور وجود ندارد، هرچند این کشور در سال ۲۰۰۰، کنوانسیون الغای همه اشکال تبعیض علیه زنان را تصویب کرد، اما هیچ تغییری در برخورد با زنان به وجود نیامد.

در دیگر کشورهای عربی نظیر کویت نیز وضع زن به همین منوال است، به طوری که در کویت، با وجود مشارکت فعال زنان در آموزش، اشتغال و نقش رهبری تأثیرگذارشان در نهادهای گوناگون، تلاش اندکی برای تعدیل اشکال گوناگون تبعیض نهادی علیه زنان صورت گرفته است. حاکم کویت (شیخ جبار الصباح) در سال ۱۹۹۹، تلاش کرد به زنان حق رأی عطا کند، اما حکم وی از سوی اکثریت اعضای مجلس مقننه وتو شد. زنان از حقوق ارث‌بری، برابر محروم شده‌اند و حقوق‌شان در ازدواج و طلاق محدود است. قوانین کیفری، جرائم مردان مرتکب به «جرائم ناموسی» را کاهش می‌دهد یا باطل می‌کند. مردانی که بستگان مؤنث خود را در «جرائم ناموسی» به قتل رسانده‌اند، حداکثر سه سال حبس می‌کشند. یک زن هیچ‌گاه آزاد نیست خودش در مورد ازدواجش تصمیم بگیرد و بین سنین پانزده تا بیست‌وپنج سال، سرپرستش می‌تواند مانع ازدواج او شود. حتی پس از طلاق یا بیوه شدن، یعنی زمانی که زن (از نظر اسلام) می‌تواند خود شوهرش را انتخاب کند، او همچنان برای انعقاد عقد به حضور یک سرپرست نیاز دارد. علاوه بر این، شوهر بر طلاق همسرش، حق یک‌طرفه و نامشروط دارد، حقی که همسرش از آن برخوردار



نیست. مردی که یک زن را می‌ریابد، اگر سرپرست با ازدواج آن دو موافقت کند، از تمام مجازات‌ها معاف می‌شود. در مجموع، زنان کوییتی هم در زندگی عمومی و هم در زندگی خصوصی، با تبعیض شدیدی روبه‌رو هستند. آن‌ها نمی‌توانند ملیت خود را به همسر یا فرزندان‌شان منتقل کنند. زنان همچنین از رأی دادن و بسیاری از مناصب دولتی از جمله منصب قضا محروم‌اند. بسیاری از این محدودیت‌ها از جمله سرپرستی مردان بر زنان، انکار حقوق زنان، «قتل‌های ناموسی» و فقدان حقوق شهروندی، در دیگر کشورهای منطقه نیز جریان دارد.

در بحرین نیز با توجه به وجود حکومت دیکتاتور و نظام سیاسی استبدادی، حقوق زنان در پایین‌ترین سطح می‌باشد. وجود گزارش‌های متعدد در خصوص تجاوز به زنان در زندان‌ها و مراکز پلیس، آزار و اذیت، قوانین تبعیض‌آمیز، عدم جایگاه مناسب اجتماعی از جمله مواردی است که در خصوص زنان بحرینی وجود دارد، اما مهم‌ترین علت وجود و ادامه چنین خشونت‌هایی علیه زنان در بحرین را می‌توان مربوط به نقض همه‌جانبه حقوق اساسی زنان در سایه بی‌توجهی به قوانین بین‌المللی حقوق بشر از سوی نظام آل خلیفه و از سویی دیگر عدم حرکت جدی مقابله‌ای توسط نهادهای بین‌المللی حقوق بشری عنوان کرد. متأسفانه بعد از شروع انقلاب ۲۰۱۱، این خشونت به اوج خود رسیده و رژیم بحرین شمار زیادی از زنان از جمله پزشکان، معلمان و... را به دلیل مخالفت با نظام آل خلیفه به صورت وحشیانه بازداشت و شکنجه کرده است. با توجه به آنچه در خصوص نقض جدی حقوق زنان در بحرین دیده می‌شود، باید کمیسیون حقوق بشر اسلامی متشکل از کشورهای اسلامی در درجه اول راهکارهای تأثیرگذار و مهمی را در جهت توجه به حقوق زنان در کشورهای عربی و در درجه بعدی کشور بحرین به دلیل ظلم و استبداد شدید



حکومت آل خلیفه ارائه دهد؛ چراکه سازمان و نهادهای بین‌المللی حقوق بشر به دلیل منافع کشورهای غربی و دولت‌های هژمون توان مقابله با خشونت و احقاق حقوق زنان را ندارند و در گام بعدی حرکت جمعی مردم بحرین در دفاع از حقوق مظلومان به خصوص زنان می‌باشد. بنابراین، باید فرهیختگان و علمای این کشور در ایجاد موج بیداری و آگاهی‌بخشی نقش جدی و مهمی را ایفا نمایند. (فرجی، ۱۳۹۶: ۳۳)

در مصر نیز اکثریت نمایندگان مجلس که از اخوان المسلمین و سلفی‌ها می‌باشند، از اینکه در قانون اساسی جدید ممنوعیت ازدواج دختران خردسال را قید کنند، امتناع نمودند. در یمن هم مانند مصر طبق بررسی‌های نهادهای حقوق بشری، ۹۰ درصد مجموعه زنان این کشور قربانی تجاوزات جنسی می‌باشند. به همین دلیل، سایتی از سوی این نهادها درست شده است که گزارش‌هایی از تجربیات زنان با هویت ناشناس که به آن‌ها تجاوز شده است را درج می‌نماید. البته بسیاری از این زنان به لحاظ خجالت و ترس از دست دادن شغل خود سکوت اختیار می‌کنند. همچنین شورای ملی حقوق بشر مصر اعلام کرد که مصر پس از افغانستان، دومین کشور جهان است که با بیشترین موارد آزار جنسی زنان مواجه است. به گزارش شبکه العالم، دفتر رسیدگی به شکایت‌های شورای ملی حقوق بشر مصر در گزارشی که برای بسیاری از مصری‌ها غافلگیر کننده و باورنکردنی بود، اعلام کرد: «جامعه مصر با بحران شدیدی در زمینه آزار جنسی زنان به طور روزمره مواجه است». این دفتر با درخواست برای اتخاذ تدابیر ویژه جهت توقف این جنایات علیه زنان تأکید کرد، بسیاری از کشورها به اتباع خود درباره احتمال مواجه شدن با آزار جنسی در مصر هشدار داده‌اند. در گزارش شورای ملی حقوق بشر مصر آمده است که حدود ۶۴ درصد از زنان در مصر در معرض تعرض و آزار جنسی به اشکال مختلف



در خیابان‌ها و میدان‌های عمومی قرار گرفته‌اند. شورای نظامی مصر که پس از سرنگونی مبارک عهده‌دار امور کشور شد، در آغاز به صورتی آگاهانه زنان را نادیده گرفت. اخوان المسلمین و تندروهای سلفی نیز با رسیدن به قدرت، شروع به انواع حملات علیه زنان کردند. همسویی این دو جریان محافظه‌کار و تندرو در محدود کردن زنان مصری تا جایی پیش رفت که کنشگران معترض را تحت فشار و مورد تهدید قرار دادند، این فشارها در دسامبر سال ۲۰۱۱ به اوج خود رسید؛ تا جایی که زنان معترض به دادگاه نظامی برده شده و مورد آزمایش بکارت قرار گرفتند. منصوره عزالدین، نویسنده مصری و فعال حقوق زنان می‌گوید: «پس از این بود که عادت مزاحمت جنسی علیه زنان دوباره به خیابان‌های قاهره برگشت و این بار به صورتی سازمان‌یافته از سوی شورای نظامی». سازمان عفو بین‌الملل با انتشار بیانیه‌ای نسبت به افزایش قابل توجه آزار جنسی زنان در مصر هم‌زمان با تداوم درگیری‌ها و اعتراض‌ها در این کشور هشدار داد. بر اساس آخرین آمار ارائه شده، در درگیری‌های روز ۲۵ ژانویه ۲۰۱۳ در شهر قاهره، دست‌کم ۳۰ مورد حملات شدید و خشونت علیه زنان گزارش شده است که هم‌زمان، گروهی از فعالان مصری با برپایی تظاهرات علیه آزار جنسی زنان در مصر اعتراض کردند. معترضان می‌گویند، این اقدامات برای این است که از حضور اجتماعی زنان جلوگیری و زنان به داخل خانه‌ها بازگردانده شوند. گروه اتحاد زنان برای آینده خاورمیانه، طی بیانیه‌ای نسبت به وضع قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان در لیبی هشدار داده‌اند. بر اساس اعلامیه جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان، خشونت هرگونه اقدامی است که باعث آزار و اذیت جسمی، جنسی و روحی زنان شود. بر همین اساس آمارهای غیررسمی نشان می‌دهد، سالانه ۲ هزار زن در الجزایر قربانی خشونت می‌شوند که بیش از هزار و صدوسیزده نفر از



آنان قربانی هدف خشونت جسمی، ۵۲۷ نفر هدف خشونت روحی و روانی و ۶۳ نفر نیز هدف خشونت جنسی قرار می‌گیرند. همچنین در مغرب ۸۲ درصد زنان در معرض خشونت خانوادگی قرار می‌گیرند که ۳۱ درصد از آنان جسمی، ۱۸ درصد روحی و روانی و ۳۰ درصد نیز جنسی است. (خبرگزاری میزان، ۱۳۹۴)

۴- وضعیت زنان پس از انقلاب اسلامی ایران

با تغییر نگرش نسبت به زن در جریان انقلاب اسلامی، زنان توانستند حضور پررنگی در عرصه اجتماعی و سیاسی پیدا کنند. امام خمینی (ره) به عنوان رهبر انقلاب با عدم پذیرش نگاه سنتی نسبت به زن و ایجاد نگرشی نو، زمینه‌های زنان از بند باورهای غلطی که در ساحت دین ریشه دوانده بود را مهیا کرد تا زنان با پی بردن به ارزش واقعی خویش، توانایی‌های بالقوه خود را در عرصه‌های مختلف به خصوص عرصه مبارزه به منصفه ظهور برسانند. با پیروزی انقلاب اسلامی، قانون اساسی جمهوری اسلامی تا حد زیادی فرصت‌های برابری را برای زنان و مردان جهت ایفای نقش در مسئولیت‌های بالای مملکت در نظر گرفت. بنابراین با وجود چنین نظام حقوق سیاسی و همچنین فرهنگ سیاسی مشارکتی، شرایطی مهیا گشت که زنان بتوانند حضور خود را در عرصه‌های مختلف به خصوص در عرصه سیاسی به اثبات برسانند. امام خمینی (ره) به عنوان رهبر نهضت اسلامی در رابطه با نقش زنان در دوران نهضت اسلامی می‌فرماید: «شما بانوان در ایران ثابت کردید که در پیشاپیش این نهضت قدم برداشتید. شما سهم بزرگی در این نهضت اسلامی ما دارید.

شما در آتیه برای مملکت ما پشتوانه هستید.» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۵۲۱)



از سویی در لابه‌لای گفته‌ها و نوشته‌های امام خمینی (ره) در دوران مبارزه و دو دهه اول انقلاب، به موارد بسیاری برمی‌خوریم که حاکی از نظر مساعد ایشان نسبت به مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان است. پس از پیروزی انقلاب نیز ایشان طی سخنانی که به مناسبت‌های گوناگون ایراد فرموده‌اند، سهم چشمگیر زنان در پیروزی انقلاب اسلامی و دوران جنگ و نیز لزوم مشارکت اجتماعی زنان در جامعه اسلامی را تصریح کرده‌اند. ایشان در یکی از سخنرانی‌هایشان در مورد آزادی زنان فرموده‌اند: «زنان در جامعه اسلامی آزادند و از رفتن آنان به دانشگاه، ادارات و مجلسین به هیچ وجه جلوگیری نمی‌شود، از چیزی که جلوگیری می‌شود، فساد اخلاقی است که زن و مرد نسبت به آن مساوی هستند و برای هر دو حرام است». در خصوص حقوق زنان نیز فرموده‌اند: «در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد؛ حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن. در تمام جهاتی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد، لیکن هم در مرد مواردی است که به دلیل پیدایش مفاسد بر او حرام است و هم در زن مواردی هست که به دلیل آنکه مفسده می‌آفریند، حرام است.»

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، امام خمینی (ره) مشارکت اجتماعی زنان را با رعایت موازین اسلامی کاملاً مجاز دانسته و مورد تأکید قرار داده است. علاوه بر این، ایشان در بسیاری از گفته‌ها و نوشته‌های خویش، مشارکت سیاسی را برای زنان لازم دانسته است: «زن باید در مقدرات اسلامی مملکت دخالت کند. شما همان گونه که در نهضت‌ها نقش اساسی داشته‌اید و سهمیم بوده‌اید، هم‌اکنون باید در پیروزی سهمیم باشید و فراموش نکنید که هر موقع اقتضا کند، نهضت کنید و قیام کنید.» به طور کلی از مجموع گفتارها و سخنان امام خمینی (ره) در مورد زنان برمی‌آید که ایشان



تحصیل، شرکت در امور سیاسی، اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی را مطابق تأکید و تصریح اسلام، برای زنان مجاز شمرده‌اند. (عیوضی، ۱۳۸۵)

بنابراین زنان به شیوه‌های مختلفی در دوران نهضت اسلامی مشارکت داشتند؛ بارزترین این شیوه‌ها، شرکت در تظاهرات و راهپیمایی‌ها بود. مشارکت زنان در تظاهرات توده‌ای علیه رژیم شاه در ماه‌های واپسین سال ۱۳۵۷، مهر تأییدی است بر پیدایش این آگاهی تازه میان زنان که نباید نقش آن‌ها به فعالیت‌های درون‌خانه محدود شود و ریختن به خیابان‌ها در کنار مردان نیز وظیفه آنان به عنوان زن ایرانی می‌باشد. (حافظان، ۱۳۸۰: ۱۵۸)

همچنین شکل دیگری از مشارکت در دوران مبارزه شرکت در اعتصابات بود. همان‌گونه که می‌دانیم یکی از عوامل اصلی در پیشبرد نهضت که نهایتاً به فلج شدن رژیم پهلوی انجامید، اعتصابات و دست کشیدن از کار بود. مشارکت زنان در اعتصابات در همه سازمان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی بسیار گسترده بود. به گونه‌ای که در ماه‌های نزدیک به پیروزی انقلاب، حتی کارکنان نهاد دولتی «سازمان زنان ایران» نیز به اعتصابات پیوستند. حضور زنان با حجاب اسلامی در انتظار عمومی، از دیگر جلوه‌های مبارزه آنان با سیاست‌های رژیم پهلوی بود. دلیل اصلی این امر، نارضایتی زنان از سیاست‌های جنسیتی حکومت و الگوی زن ایرانی مورد تبلیغ شاه بود.

بدین ترتیب با وقوع انقلاب اسلامی، انتظار می‌رفت تحول فرهنگ سیاسی و رفع موانع مشارکت برای زنان و رقابت سیاسی مندرج در چنین فرهنگ غیر دموکراتیکی در اولویت اقدامات حاکمان و نخبگان حکومتی قرار گیرد. در چنین فضایی تحت تأثیر دو متغیر، یکی نقش مذهب و دیگری تأکید برجستگان فکری و دینی بر نقش مردم، نوع فرهنگ سیاسی دگرگون شد که از یک طرف برجستگانی مانند آیت‌الله



مطهری، آیت‌الله طالقانی و دکتر شریعتی به زعامت امام خمینی (ره) نقش محوری داشتند و از طرف دیگر حوادث بین‌المللی نظیر انقلاب کوبا، الجزایر و ویتنام نیز در تغییر فرهنگ سیاسی مردم ایران پس از انقلاب نقش داشته‌اند. فرهنگ سیاسی جدید در ایران پس از انقلاب، حاصل نوعی فرهنگ سیاسی تبعی - مشارکتی است که در این فرهنگ سیاسی جدید، عناصری وجود داشته که مشارکت را به شدت تشویق می‌کند. یکی از مهم‌ترین تحولات صورت گرفته در فرهنگ سیاسی ایران بعد از انقلاب، افزایش نقش و حضور زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی می‌باشد. همچنین از دیگر شاخص‌های فرهنگ سیاسی مشارکتی و حرکت در مسیر توسعه سیاسی در جوامع، نوع نگاه حکومت‌ها به حضور زن در عرصه‌های مختلف جامعه است. بدیهی است که هرچه حضور زنان در اجتماع فعال‌تر و مؤثرتر باشد، کشور پیشرفته‌تر و توسعه‌یافته‌تر خواهد شد. به طور مسلم، میزان نقش و مشارکت زنان در جامعه به ویژه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تا حد زیادی وابسته به برخورد و نگرش جامعه به زن می‌باشد. به هر حال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مشارکت سیاسی زنان در دو سطح توده و نخبگان رخ داد:

۱- مشارکت سیاسی زنان در سطح توده که شامل شرکت آنان در انتخابات ادواری، شرکت در راهپیمایی‌ها، شرکت در گروه‌ها، انجمن‌ها و فعالیت‌های بسیج و شرکت و حضور در جنگ تحمیلی بوده است.

۲- مشارکت سیاسی زنان در سطح نخبگان نیز شامل نمایندگی مجلس شورای اسلامی، سهمیم بودن در بخش سیاسی و خدمات اداری، ملی و بین‌المللی و همچنین همکاری با قوه قضائیه است.



۵- جایگاه زن در حقوق بشر اسلامی

اعلامیه حقوق بشر اسلامی که در تاریخ ۱۴۱۱ هجری قمری مطابق با ۱۹۹۰ میلادی در تهران به تصویب رسید، در مواد ۷ و ۱۰ راجع به حقوق زن بحث نموده است. در ماده ۷ این اعلامیه بر تساوی زن و کرامت انسانی، شخصیت اجتماعی زن، استقلال مالی او و مسئولیت و معاش خانواده تأکید شده است؛ در ماده ۱۰ نیز شکل بنیادین خانواده در ساختار جامعه معرفی شده و ازدواج حق بی قید و شرط هر زن و مرد شناخته شده است و دولت موظف شده با برطرف کردن موانع و فراهم آوردن وسایل و زمینه ازدواج برای افراد از خانواده حمایت کند. (ناظمی، ۱۳۸۸: ۷۵)

کرامت در لغت به معنای بزرگواری و صاحب منزلت و احترام بودن می‌باشد. (منصورنژاد، ۱۳۸۶: ۲۳) همچنین در اصطلاح علما عبارت است از پاک بودن از آلودگی‌ها، عزت، شرف و کمال ویژه آن موجودی که کرامت را به او نسبت می‌دهیم. در دین اسلام ۲ نوع کرامت برای انسان ثابت شده است:

۱- کرامت ذاتی: این کرامت میوه خویش یا موهبتی الهی است، مثل خرد و وجدان که انسان از آن برخوردار است. *انسان و مطالعات فرهنگی*

۲- کرامت ارزشی: این کرامت از به کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی در مسیر کمال ناشی می‌شود که اکتسابی و اختیاری است و ارزش عالی و نهایی انسان مربوط به آن می‌باشد. خداوند ملاک و معیار برتری هر انسانی را بر دیگری به تقوا و خلق و خویی شایسته می‌داند که این کرامت ارزش‌ها را در حرکت به سوی کمالات تشویق و تحریک می‌کند. (ناظمی، ۱۳۸۸: ۷۶)



۶- جایگاه زنان در قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با عنایت به مقام و منزلت زن در تفکر اسلامی علاوه بر اختصاص چندین اصل به حقوق زن به نحو بسیار رسا و مطلوبی در مقدمه آن جایگاه و ارزش زن را ترسیم نموده و به طور خاص به رعایت حقوق این قشر عظیم توجه کرده است. در مقدمه قانون اساسی در خصوص زنان آمده است: «در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استثمار همه‌جانبه خارجی بودند، هویت اصلی و حقوق انسانی خود را بازمی‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم‌پذیری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند، استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود.» (فرح روز، ۱۳۸۶: ۱۹)

بند چهارده از اصل سوم که اهداف جمهوری اسلامی را بیان می‌دارد، چنین آمده است: «تأمین حقوق همه‌جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.»

اصل دهم چنین بیان می‌کند: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین، مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق اسلامی باشد.»

اصل بیستم نیز اینگونه بیان می‌کند: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.»

اصل بیست و یکم اینچنین بیان می‌دارد: «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین کند و امور زیر را انجام دهد:



۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او؛

۲- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری، حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست؛

۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده؛

۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست؛

۵- اعطای قیمومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.»

اصل یکصد و پانزدهم: «رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد.»

به نظر می‌رسد مواد یاد شده از قانون اساسی بر پایه بینش درست از زن و رعایت حقوق وی تنظیم گردیده و ضعف و کاستی در آن به چشم نمی‌خورد. اگرچه در خصوص اصل یکصد و پانزدهم که واژه «رجال» برای رئیس جمهور به کار رفته، موهم نوعی نابرابری در پذیرش مدیریت اجرایی است؛ اما این نکته قابل توجه است که این قید نسبت به رهبری، نمایندگان مجلس خبرگان، فقها و حقوقدانان شورای نگهبان، ریاست قوه قضائیه، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، وزرا و معاونان رئیس جمهور و... به کار نرفته است. نکته‌ای که باید بدان توجه نمود آن است که قانون اساسی، تنظیم حقوق زن و مرد را بر مبنای «حقوق اسلامی» و «موازین اسلامی» تأیید کرده است که این دو غیر از یک اجتهاد یا یک فتوا است؛ چراکه موازین اسلامی که معیار قانون‌گذاری است، آن اصول و قواعد مسلم و تردیدناپذیر است و نمی‌توان اختلاف نظرهای فقهی را به نام موازین اسلامی ارائه کرد. بنابراین



با توجه به جایگاه زن در قانون اساسی، شورای عالی انقلاب فرهنگی به پیشنهاد شورای فرهنگی اجتماعی زنان در سال ۱۳۸۳، منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران را تصویب کرد که این منشور با الهام از شریعت معتدل و جامع اسلام و مبتنی بر قانون اساسی و اندیشه‌های والای بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) تدوین گردید و در سال ۱۳۸۵ تحت عنوان قانون حمایت از حقوق و مسئولیت‌های زنان در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی در مجلس تصویب و به تأیید شورای نگهبان قانون اساسی رسید.

۷- حقوق زن در اسناد بین‌المللی

در دو دهه اخیر افراد و سازمان‌های بین‌المللی تلاش‌های شایسته‌ای در جهت بهبود بخشیدن به وضعیت توصیه‌نامه و قطعنامه در موضوعات مختلف مربوط به حقوق بشر کرده‌اند که در این میان، توجه به حقوق زنان جایگاه ویژه‌ای دارد. شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز در خصوص رعایت حقوق زنان قطعنامه‌هایی صادر کرده است. در مقدمه منشور ملل متحد با تأکید بر تساوی حقوق زن و مرد حفظ حقوق اساسی بشر از اموری تلقی شده است که اساس همکاری بین‌المللی را فراهم می‌آورد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) در مقدمه خود، شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال‌ناپذیر آنان را اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان دانسته و تأکید می‌کند که مردم ملل متحد، ایمان خود را به حقوق اساسی بشر، مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق زن و مرد اعلام کرده‌اند. بند اول ماده دوم اعلامیه نیز تصریح می‌کند: «هرکس می‌تواند بدون هیچ‌گونه



تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس و... از تمام حقوق و آزادی‌هایی که در اعلامیه ذکر شده است، بهره‌مند گردد». با آنکه تساوی حقوق زن و مرد و ضرورت رفع هرگونه تبعیض بین آن‌ها، در تمامی اسناد حقوق بشری همچون منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی، حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد تصریح قرار گرفته است، این اسناد برای تأمین همه‌جانبه حقوق زنان و ایجاد تساوی در حقوق زن و مرد کافی تشخیص داده نشد، بلکه چنین به نظر رسید که تضمین رعایت حقوق زنان و برقراری تساوی در حقوق زن و مرد به ابزار قوی‌تر، مقررات و ضوابط روشن‌تر و سند تعهدآور محکم‌تری نیازمند است. از این رو، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در هفتم نوامبر ۱۹۶۷ اعلامیه رفع تبعیض علیه زنان (حاوی یک مقدمه و ۱۱ ماده) را به تصویب رساند. (مهرپور، ۱۳۷۴: ۲۴۳) دبیرکل سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۲ از کمیسیون مقام زن خواست تا نظر دولت‌های عضو را نسبت به شکل و محتوای یک سند بین‌المللی در زمینه حقوق زنان جويا گردد، سال بعد یک گروه کاری از شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد جهت بررسی تنظیم چنین کنوانسیونی تعیین شد. در سال ۱۹۷۴، کمیسیون مقام زن تنظیم پیش‌نویس کنوانسیون حذف تبعیض علیه زنان را آغاز نمود. کنفرانس جهانی سازمان بین‌المللی زن که در سال ۱۹۷۵ برگزار شد، کمیسیون را در انجام این کار تشویق نمود. کنفرانس یک برنامه کاری را تحت عنوان «کنوانسیون حذف تبعیض علیه زنان با روش‌های مؤثر برای اجرای آن» تصویب نمود. در سال ۱۹۷۷، پیش‌نویس تهیه شده توسط کمیسیون مقام زن، به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم شد که سرانجام در سال ۱۹۷۹، طرح نهایی پیش‌نویس کنوانسیون با عنوان «کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان» به



تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. اگرچه کنوانسیون در این جهت تا حدودی توفیق داشته است، اما هنوز گزارش‌های نقض حقوق زنان در جهان تکان دهنده می‌باشد. (قریبان‌نیا، ۱۳۸۴: ۲۸۸)

۸- عوامل رشد و تعالی حقوق بشر اسلامی

۸-۱- نقش مدیریتی زن

اندیشمندان عوامل مختلفی را برای ارتقا و توسعه حقوق بشر اسلامی برشمرده‌اند که یکی از این عوامل، نقش مدیریت زن در نظام اسلامی است. به طوری که در عصر کنونی نادیده گرفتن یا حتی کم‌رنگ دانستن موضوعات مربوط به زنان در واقع انحراف از مسیر توسعه همه‌جانبه و پایدار است. (سحاق حسینی، ۱۳۸۲: ۱۸۵-۱۹۰)

زنان به عنوان نیمی از سرمایه انسانی و به عنوان پرورش‌دهندگان نسل امروز و فردا نه تنها موضوع و هدف توسعه هستند؛ بلکه عامل مؤثری در پیشبرد اهداف توسعه محسوب می‌شوند. بنابراین، لازم است زمینه‌های مشارکت اجتماعی بیشتر آن‌ها فراهم گردد و از نیروی زنان در همه سطوح به خصوص سطوح مدیریتی و برنامه‌ریزی استفاده شود. این امر، علاوه بر مشارکت زنان در تمامی عرصه‌های اجتماعی به دلیل آگاهی بیشتر آنان به مشکلات زنان امکان رفع موانع پیش روی زنان را نیز افزایش خواهد داد. در این میان، بحث اساسی دست‌یابی مشهود زنان در سال‌های اخیر به ابزارهای مدیریتی است که آنان را به تدریج مهبای دست‌یابی به مشاغل مدیریتی می‌کند. به طور کلی، در همه جوامع اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه زن در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... از موقعیت یکسانی با مرد برخوردار نیستند، اما این عدم برابری در کشورهای مختلف متفاوت



می‌باشد که این مطلب مدیریت زن را نیز شامل می‌شود. طبق آمار، زنان ۴۰ درصد نیروی کار جهان را تشکیل می‌دهند؛ در حالی که نسبت مشارکت آن‌ها در مشاغل مدیریتی به طور غیرقابل قبولی در حد پایینی باقی مانده و در بیشتر کشورها، سهم کلی زنان در مشاغل مدیریتی از ۲۰ درصد تجاوز نمی‌کند. در ایران نیز هرچند در دهه اخیر شاهد رشد نسبی زنان در سطوح مدیریتی هستیم، اما این ارتقا شغلی اغلب از شغل‌های پایین به شغل‌های میانی می‌باشد و تلاش هرچه بیشتری را برای ارتقا شغلی بانوان متخصص و دانشمند که گاه از حیث تحصیلات بالاتر از مردان هستند می‌طلبد. اگرچه تعداد زنان در پست‌های مدیریت دولتی بسیار اندک است، اما مقایسه سطح تحصیلات زنان و مردان در پست‌های مدیریتی یکسان، نشان می‌دهد که معمولاً زنان مدیر از سطح تحصیلات بالاتری برخوردار می‌باشند. پس یکی از مهم‌ترین عوامل در رشد و توسعه حقوق بشر اسلامی، زنان می‌باشند که نادیده انگاشتن وجود آن‌ها یا حتی به کار نگرفتن توانایی‌های آنان در موفقیت‌های به‌جا و مناسب در روند رسیدن به رشد و توسعه خلی حتی جبران‌ناپذیر ایجاد خواهد کرد. چنان‌که تجربه کشورهای توسعه‌یافته این را عملاً نشان می‌دهد، توسعه نظام حقوقی یک کشور مرهون تحول در وضعیت زنان و افزایش مشارکت آنان در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن جامعه می‌باشد. با این دیدگاه، حضور فعال و مؤثر زنان که در فرآیند توسعه متوازن و همه‌جانبه نقش بسیار مهمی دارد، بیشتر از پیش مشخص می‌شود. در واقع رشد و ترقی زنان موجب پیشرفت در همه ابعاد یک کشور می‌شود، پس بدین منظور نیاز است که زنان بتوانند در فرآیند تصمیم‌گیری در سطوح مختلف جامعه شرکت نمایند.



۲-۸- توانمندسازی زنان

توانمندسازی زنان دامنه‌ای از فعالیت‌هاست که شامل خوداتکایی و اعتمادبه‌نفس فردی برای مقاومت جمعی، اعتراض و بسیج در جهت به چالش کشیدن روابط قدرت می‌شود. (اسلامی، ۱۳۹۲: ۲۹۰) هنگامی که از توانمندسازی زنان سخن می‌گوییم، به کل موجودیت و موقعیت زن در جامعه توجه می‌کنیم؛ یعنی از خانواده و محیط خانگی گرفته تا تغییر جایگاه زن در عرصه عمومی. مسلماً ویژگی‌های خاص جسمی زن مثل توانایی باروری و تولیدمثل و... و در واقع زنانه بودن زن نباید عامل تبعیض و عقب‌نگه‌داشتن وی از صحنه اجتماع گردد. از این منظر حق بر ازدواج، طلاق، انتخاب مسکن، حق بر داشتن سلامتی کامل جسمی و روحی از جمله حقوق زنان محسوب می‌گردد که از جمله دلایل ناتوانی زنان در دستیابی به حقوق اولیه یاد شده، اعمال تبعیض و خشونت علیه ایشان می‌باشد و این عوامل مانع توانمندسازی زنان و ناتوانی آنان در اجتماع می‌شود. لذا برای اینکه زنان بتوانند به حقوق خود در اجتماع دست یابند باید از خانواده شروع نمایند و در این رابطه حق زنان بر ازدواج، طلاق و انتخاب مسکن و... از نکات مهم می‌باشد. در ایران ازدواج دختر باکره منوط به اذن ولی است و در مواردی که دسترسی به اذن ولی نیست، منوط به اذن دادگاه می‌باشد. (مواد ۱۰۴۳ و ۱۰۴۴ قانون مدنی) در بحث طلاق نیز این مرد است که به تنهایی می‌تواند به رابطه دوفره پایان دهد یا در بحث بهداشت به دلیل شرایط خاص جسمانی زن از جمله قابلیت باروری و مراقبت از فرزندان، سلامت مادران خانواده و سایر اقشار را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد؛ لذا در راستای حق زن بر سلامتی، سه مقوله مهم باید مدنظر قرار گیرد که به ترتیب حق زنان بر غذا، حق زنان بر سقط جنین بهداشتی و ایمن و حق زنان در مبارزه با انواع بیماری‌ها می‌باشد. پس در بحث توانمندسازی



زنان، اصلاح قوانین موجود در بحث حقوق خانواده و ارج نهادن به سایر حقوق و نیازهای زنان که نیازمند تغییر و اصلاح در ساختار کشورها که منطبق بر موازین اسلامی باشد، شرط لازمه بوده و در صورت وقوع تغییرات فوق، حقوق بشر اسلامی و به تبع آن حقوق بشر ایرانی که ماده اصلی و اولیه خود را از حقوق بشر اسلامی اخذ نموده است، توسعه خواهد یافت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نتیجه‌گیری

همان‌گونه که اشاره شد در قرآن کریم و نصوص دینی، حقوق بشر به طور کامل بیان گردیده و مبنای این حقوق اعطایی به بشر، حقیقت آدمی و شأن انسانی آن‌هاست و جنسیت، نقشی در اعطای حقوق فطری و طبیعی ندارد. در نظام اسلامی، زن از هویتی مستقل برخوردار است و تمام حقوق اساسی و مدنی او مورد توجه قرار گرفته و شواهد زیادی در آیات، روایات و قوانین جمهوری اسلامی ایران تبیین گردیده است که با درک صحیح این حقوق و بهره‌گیری از توانمندی زنان و مشارکت دادن آنان در تصمیمات کلان سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌توان از نقش آنان در رشد، توسعه و تعالی حقوق و جایگاه حقوق بشر اسلامی بهره‌جست و به عنوان الگوی اسلامی و ایرانی، به سایر جوامع علی‌الخصوص جوامع غربی که تحت اندیشه‌های فمینیستی شخصیت زن و مرد را برابر می‌دانند، بدون آنکه به تفاوت‌های جسمانی و فیزیولوژیکی آنان توجه داشته باشند، ارائه کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



فهرست منابع

۱. اسحاق حسینی، سید احمد (۱۳۸۲) مجموعه مقالات زنان؛ مشارکت و برنامه‌ریزی برای توسعه پایدار، تهران: نشر برگ زیتون.
۲. اسلامی، رضا (۱۳۹۲) آموزش حقوق بشر اسلامی، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
۳. جلالی، محمد (۱۳۸۳) «حقوق بشر زنان در حقوق بین‌الملل و وضعیت ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۶.
۴. حافظان، محمدحسین (۱۳۸۰) زنان، انقلاب، داستان ناگفته، تهران: اندیشه برتر.
۵. حکیم‌پور، محمد (۱۳۸۲) حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، چاپ اول، تهران: انتشارات نغمه نواندیش.
۶. عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۵) «انقلاب برای زنان»، مجله زمانه، شماره ۴۸.
۷. فاضل، محمد (۱۳۸۷) «نگاهی به شخصیت و حقوق زن در اسلام و سایر ملل»، مجله رواق اندیشه، شماره ۲۱.
۸. فرجی، ملیحه (۱۳۹۶) «وضعیت حقوق بشری زنان بحرین؛ بررسی عملکرد حاکمان این کشور»، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، سال سوم، شماره ۹.
۹. فرح روز، غلامرضا (۱۳۸۶) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: ناشر اشجع با همکاری میکائیل.
۱۰. قربان‌نیا، ناصر (۱۳۸۴) بازپژوهی حقوق زن، چاپ اول، تهران: نشر روز نو.
۱۱. قربانی، زین‌العابدین (۱۳۳۵) اسلام و حقوق بشر، تهران: انتشارات کتابخانه صدر.
۱۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲) حقوق مدنی خانواده، تهران: نشر میزان.
۱۳. کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۹۷) «بررسی تطبیقی حقوق زن در قرآن و اعلامیه جهانی



- حقوق بشر»، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۲۶.
۱۴. مرادی، صادق (۱۳۷۸) نگرشی بر اعلامیه جهانی حقوق بشر و حقوق اسلام، چاپ اول، تبریز: انتشارات سالار.
۱۵. مطهری، مرتضی (۱۳۵۷) نظام حقوق زن در اسلام، چاپ هشتم، قم: انتشارات صدرا.
۱۶. منصورنژاد، محمد (۱۳۸۱) مسئله زن، اسلام و فمینیسم در دفاع از حقوق زنان، چاپ اول، تهران: انتشارات زیتون.
۱۷. منصورنژاد، محمد (۱۳۸۶) زنان، حقوق، کرامت و هویت، چاپ اول، تهران: انتشارات جوان پویا.
۱۸. منصوری لاریجانی، منصور (۱۳۷۴) سیر تحول حقوق بشر و بررسی تطبیقی آن با حقوق بشر در اسلام، چاپ اول، تهران: نشر تابان.
۱۹. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸) صحیفه امام، جلد ۶، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۰. مهرپور، حسین (۱۳۷۴) حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات اطلاعات.
۲۱. ناظمی، غلامرضا (۱۳۸۸) برابری زن و مرد در اسلام، چاپ اول، مشهد: ناشر آهنگ قلم.
۲۲. نوری، شیخ یحیی (۱۳۸۵) حقوق زن در اسلام و جهان، چاپ ششم، تهران: انتشارات نوید نور.
۲۳. _____ (۱۳۹۴) خشونت علیه زنان در کشورهای عربی، خبرگزاری میزان، کد خبر: ۱۳۲۲۱۱.